

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه سی و چهارم

عامل نهم؛ لقمه حلال

مجری: اصولا حلال و حرام یعنی چه؟

حدیث قدسی است که خداوند می فرماید:

فی حدیث المِعرَاجِ : یا اَحمدُ، إِنَّ العِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ، فَإِنْ أَطِيبَ مَطْعَمُكَ وَ مَشْرَبُكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كُنْفِي.

ارشاد القلوب : در حدیث معراج آمده است: ای احمد! عبادت ده قسمت است ، که نه قسمت آن طلب روزی حلال می باشد؛ پس، اگر خوراك و نوشید نیت پاک و حلال باشد، در پناه و حمایت من هستی.

و یا قرآن تعبیر می کند که :

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

باید دید که چه ارتباطی است بین از پاکیزه ها خوردن و عمل صالح انجام دادن...

به عبارتی عمل صالح میوه لقمه حلال است.. یا باز میفرماید:

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

این آیه بیانگر این است که ارتباط مستقیم هست بین خوردن از طیبات و دنبال روی شیطان نکردن.. گرچه برخی این قدر در این راه افراط می کنند که شیطان از آن ها دنبال روی می کند.. امری که راجع به بلعم باعورا هست که :

وَإِذْ عَلِمْنَا نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ x وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَافْضُصِ الْقُصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

حلال، یعنی طیبات یعنی مشروع از نظر دین و فقه ؛ و آن چه از غیر از این راه به دست آید، می شود: حرام؛ غیر طیب ...

اگر انسان چشم برزخی داشته باشد، می تواند باطن حرام را ببیند.. در واقع رزقش نیست، رزق دیگران است.

این جا است که نقش فقه و علم به شریعت معلوم می شود ما در گذشته داشتیم که بازاریان ما دوره ای را به طلبگی می گذراندند...

به هر حال در این جا دو مساله هست یکی این که کسی مسائل شرعی را بدانند اولاً و ثانیاً آن ها را مراعات کند و این مهم است و صرف دانستن کفایت نمی کند.

اما اگر آمد از هر طریقی به جمع آوری پرداخت مسلم است که حلال نیست.

مجری: آیا تشخیص این که چه حلال است و چه حرام است، دست خود فرد است ؟ کسی که حقوق نجومی می گیرد مدعی می شود من زحمت می کشم و این حقوق هم حق من است و دیگری می گوید من با این که زحمات زیادی میکشم و این حق من نیست... معیار چیست؟ آیا می شود حرام قانونی شود؟

ممکن است سوالات شما را کسی همه این ها را حرام بداند؛ معتقدم وقتی پای مصداق در کار می آید، باید با دقت برخورد کرد؛ نه احساسی و نه سیاسی...

اولاً در جامعه اسلامی، نباید به گونه ای باشد که برخی ها حقوق نجومی بگیرند... یعنی در واقع این یک انحراف سیستماتیک اداری است. نباید تفاوت حقوق ها گاه به ده یا بیست برابر برسد... ممکن است اگر بگوییم فقها حرام است برخی ها بخواهند که دفاع کنند اما از نظر فقه سیاسی هم این جریان می تواند متفاوت باشد... ممکن است از نظر فقه فردی، صاحب کارخانه ای اقدام به بکارگیری کسی به عنوان مدیر کل آن کارخانه نماید و حقوق نجومی هم برای او در نظر بگیرد البته باید توجه داشت که صاحب کارخانه هم در یک سیستم سالم و به دور از فساد به آن وضعیت خوب مالی رسیده باشد نه این که در یک پروسه فاسد به این وضعیت رسیده باشد که این خود ایجاد اشکال می کند... به هر حال از نظر فقه فردی ممکن است این کار اشکالی نداشته باشد چون یک کار فردی است اما وقتی در یک نظام و سیستم صحبت می شود فقه سیاسی از دریچه حرام برای این جریان ورود نمی کند و ممکن است این حرف برای بسیاری ایجاد سوال کند. من در این جا از این برنامه استفاده می کنم و همانگونه که دانشنامه فاطمی را قبلاً معرفی کردم، دانشنامه امام علی علیه السلام را که از کارهای فاخر حوزه هست را معرفی می کنم.. نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر را بخوانید... در آن کتاب ببینید سیستم اقتصاد علوی آمده، مطالعه فرمایند و بسیار راهبردی است.

این که سیستمی از لحاظ حقوق دهی منظم نباشد به یکی زیاد و به یکی کم بدهد این اشکال باید از جانب مدیران حل شود نه این که خود کارمند بخواهد کاری انجام دهد... و اصولاً سوال این جا است که چرا جامعه باید به جایی برسد که ادعا شود که فلان کار از عهده یک نفر بر بیاید و آن یک نفر هم مدعی شود من د رازای گرفتن فلان مبلغ حاضرم که مدیریت و مسئولیت فلان کار را بر عهده گیرم؟ جامعه باید به گونه ای باشد که همه رقابت کنند و جامعه بازار مسکرها باشد... نه این که همه خود را در موضع ضعف ببینند و یکی این وسط بیاید و هر چه خواست ادعا کند و حقوق نجومی هم طبعاً به او تعلق گیرد...

روایت داریم وقتی انسان لقمه حرامی را می خورد قلبش سیاه می شود؛ حال عبادت از این آدم گرفته می شود اشک چشمش خشک می شود؛ اهل بکا نیست.. دینش پشت سرش قرار می گیرد ضعیف النفس می شود... این ها یک سری آثار وضعی است که برای حرام می آید... اما لقمه حلال قلب را نورانی می کند و....

مجری: صاحبان تربیون برای استیلای فرهنگ حلال خوری بر حرام خواری چه وظیفه ای دارند؟

جواب: جالب این جا است که طبق روایات روز قیامت از چهار چیز سوال می شود: عمر ، جوانی (این هم جالب است که جوانی یک بار مستقلا سوال می شود و یک بار هم ضمن عمر) و دیگری منبع درآمد و آخری هم مورد مصرف آن درآمد...

نبی مکرم اسلام فرمودند: لا یجاوز قدما عبد حتی یسئل عن أربع عن شبابه فیما أبلاه و عن عمره فیما أفناه و عن ماله من أين جمعه و فیما أنفقه و عن حبنا أهل البيت علیهم السلام....

هر کس در هر مقام و پست و سمتی که هست باید کاری کند که به روز باشد مطالعه داشته باشد اگر معلم هست یا پزشک یا حتی روحانی تا درآمدی را هم که به دست می آورد هم حلال باشد هم این که سیستم مدیریتی جامعه و مناصبی که به این ها اختصاص یافته در واقع بهترین گزینه را در بر داشته باشد اگر این گونه شد احساس می شود که سیستم مدیریتی به نحو مطلوب هست و همه چیز در مسیر صحیح خود خواهد بود. طبعاً چنین کسی با این مبنا و بنیه های علمی و دیگر خصائص طبعاً روز قیامت روسفیدتر خواهد بود ..

اساتید فرهیختگان ، روحانیون و دیگر صاحبان تربیون وظیفه دارند که فرهنگ حرام خواری را پلشت نشان دهند..و برعکس حلال خواری را به نوعی ارزش انگاری کنند و ان را به یک گفتمان تبدیل کنند ..و در این باره خود باید اول عامل این جریان باشند و الا هر چه مسئولیت بالاتر باشد از این لحاظ عتاب و خطاب و مسئولیت طبعاً روز قیامت بیشتر خواهد بود.

نکته قابل ملاحظه این که اصولاً حاکمیت باید به گونه ای این گفتمان را نهادینه کند و حتی در رابطه با ارزشها و آزادیها هم باید مدافع منافع مردم باشد و باید قبل از این که راجع به جزئیات و قیمت ها و .. نظر داده شود کارهایی می بایست انجام می شد ؛ و به عبارتی کارها می بایست به صورت ساختاری حل و فصل شود...و مردم با ید با چشم خود ببینند که حاکمان و کارگزاران چقدر مواظب و مراقب اند ...اگر این گونه بودند فرهنگ مردم هم نهادینه می شود و از آن طرف هم رسانه ها در این جریانات ورود کنند تا موضوعی به ثمر بنشیند...مثلاً حاکمیت و رسانه و مردم باید در نهادینه کردن ارزشها و حلال و حرام ها جدیت داشته و هماهنگ باهم باشند تا ارزشی به ثبت برسد و ضد ارزش هم ضد ارزش تلقی شود نه این که این ها جابجا شود ..جریان اختلاس جریان بسیار نچسب و ناهنجاری است برای یک جامعه اسلامی ما نمی توانیم این عیب بسیار بزرگ را سفید انگاری کنیم و در نظر نیاوریم ..

البته در این جا نکته ای که هست که این که مبدا رعایت این سری مسائل باعث شود که کسی در قبول پست و مقام و سمتی عقب نشینی کند و به اسم این که مبدا روز قیامت هم مسئول باشد شانه خالی کند و عرصه را به دیگری واگذارد که این قضیه به نوعی تقوای منفی است و تقوای مثبت این است که من قبول مسئولیت کنم و از عهده آن هم برآیم و کار کنم و این ارزشمند است و جامعه هم نیاز دارد ...